

فوقوع کلّ مقدّمة على صفة المقدّمة الفعلية ملازم لوقوع الاخرى على تلك الصفة و وقوع ذیها فی الخارج، و إنّما فذات الشرط المجرد عن السبب، أو السبب المجرد عن الشرط، أو المعدّ المجرد عن وقوعه فی سبیل الإعداد، مقدّمة بالقوة لا بالفعل. و مثلها غیر مرتبط بالغرض الأصيل المترتب على وجود ذی المقدّمة، فلا تكون مطلوبة بالتبع، و لیس الفرق بین الموصول و غیر الموصول إلا بالفعلية و القوة، و ملازمة الأوّل لذی المقدّمة و عدم ملازمة الثانی كما سیأتی إن شاء الله تعالی هذا ما یوافق مسلك صاحب الفصول (رحمه الله).»^۱

توضیح:

۱. غرض اصلی شارع بر وجود ذی المقدمه (معلول) مترتب است.
۲. به همین جهت، غرض تبعی شارع از اجزاء علّت (هر یک از مقدمات) آن است که ذی المقدمه بر مقدمه مترتب شود.
۳. و این ترتب وقتی حاصل می شود که اجزاء علّت (مقدمات) به صفات واقعی خویش متصف شوند (یعنی آنچه قرار است سبب شود، متصف به سببیت شود و آنچه قرار است شرط شود، واقعاً متصف به شرطیت شود)
۴. (و فعلیه دخله...: عطف به اتصاف) وقتی که مقدمات به صفت واقعی خویش برسند که عبارت است از اینکه هر کدام دخالتشان در تأثیری که مقتضی دارد و بر اثرش، بالفعل شود. (یعنی هر مقدمه به فعلیت برسد و اگر شرط است به صورت بالفعل شرط شود)
۵. حال: اگر هر مقدمه بخواهد در صفتی که دارد بالفعل شود، باید بغیر مقدمات هم در صفاتشان بالفعل شوند و ذی المقدمه هم در خارج موجود شود.
۶. چراکه اگر شرط بیآید ولی سبب نیآید، شرط به صورت بالفعل شرط نیست.
۷. و اگر به صورت بالفعل در نیآمده است، مطلوب تبعی هم نیست

۱. نهاية الدراية في شرح الكفاية، ج ۲، ص ۱۳۸.



۸. پس فرق بین مقدمه موصله و مقدمه غیر موصله در آن است که مقدمه موصله، شرط (مثلاً) بالفعل است ولی غیر موصله، غیر بالفعل است.

